

بعثتی درباره قلمرو ماده ۱۹ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب تیر ماه سال ۱۳۲۸

نگارنده از جمله کسانی میباشد که معتقد است اجرای مقررات جزاهای تبعی مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی نسبت بمتهمین بسیار شدید و با وسعت قلمرو غالباً آثار مترتبه بر آن بمراتب سنگین تر از کیفرهای اصلی میباشد زیرا در ماده مورد بحث عنوان شده است که :

الف - کیفرهای تبعی و تکمیلی از قرار ذیل است .

۱ - محرومیت از حقوق اجتماعی .

۲ - ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص

۳ - اقامت اجباری در محل مخصوص

تبصره - کیفر تبعی اثر ناشی از حکم است بدون قید در حکم و کیفر تکمیلی همان کیفر تبعی است با این تفاوت که مثل کیفر اصلی در حکم دادگاه قید میشود .

ب - کسیکه بموجب حکم قطعی بحبس جنائی محکوم شود و یا کیفر اعدام او در نتیجه اعمال ماده ۵۰ قانون مجازات عمومی تبدیل بحبس جنائی شود از کلیه حقوق اجتماعی تبعاً محروم خواهد شد بعلاوه دادگاه میتواند مقرر دارد که محکوم علیه پس از اتمام کیفر اصلی و مدتی که از ده سال تجاوز نکند از اقامت در نقطه معینی ممنوع بوده و یا با اقامت در نقطه و یا نقاط معینی مجبور باشد .

ج - هر کس که بموجب حکم قطعی و بعلت ارتکاب یکی از جنحه های ذیل و یا بعلت جنایت با رعایت کیفیت مخففه به بیش از یکماه حبس تأدیبی محکوم شود در صورتیکه یکی از مجازاتهای اصلی او انفصال ابد از خدمات دولتی نباشد در مدت ۵ سال از حق استخدام دولتی و مملکتی محروم میشود .

هرگاه مدت حبس تأدیبی تا یکماه باشد مدت محرومیت از حق استخدام دولتی و مملکتی دو سال خواهد بود :

۱ - کلیه جنحه های مضر بمصالح عمومی که در باب دوم قانون مجازات عمومی پیش بینی و یا جنحه هائیکه از این حیث مشابه آنهاست و بموجب قوانین جداگانه تعیین گردیده است .

۲ - سرقت های جنحه .

۳ - کلاهبرداری و یا جنحه ایکه بموجب قانون مجازات کلاهبرداری برای آن تعیین شده است .

۴ - خیانت در امانت و یا جنحه ایکه بموجب قانون مجازات خیانت در امانت برای آن تعیین شده است - دادگاه جنحه میتواند علاوه بر مجازات اصلی که بموجب قانون مقررات مجرم را در مدتی که از ۵ سال تجاوز ننماید بمحرومیت از بعضی از حقوق مذکور در ماده ۱۵ نیز محکوم کند و همچنین دادگاه میتواند در ضمن حکم خود مقرر دارد که محکوم علیه پس از اجرای کیفر اصلی در مدتی که از ۵ سال تجاوز ننماید از اقامت در نقطه یا نقاط معینی ممنوع بوده و یا باقامت در نقطه یا نقاط معینی مجبور باشد .

د - هرگاه مستخدمینی که از بودجه کشور و شهرداری ها و بنگاه هائیکه با سرمایه دولت اداره میشود حقوق دریافت میدارند و همچنین مأمورین بخدمات عمومی و مستخدمین افتخاری دولتی و مملکتی با اتهام بزه جنائی مطلقاً و یا جنحه های فوق مورد تعقیب قرار گیرند از تاریخ اعلام کیفرخواست بوزارتخانه یا قسمت مربوطه که مستخدم مزبور در آن انجام وظیفه سینماید از شغل خود معلق میگردد و در صورتیکه بموجب حکم قطعی برائت حاصل نمود ایام تعلیق جزء خدمت او محسوب و مقرری مدتی را که بعلت تعلیق نگرفته دریافت خواهد کرد .

تبصره ۱ - کلیه دادسراها مکلفند که در موارد فوق بمحض ارسال کیفرخواست به دادگاه بدون فوت وقت سرتاب را بوزارتخانه یا قسمت مربوط بمتهم اطلاع دهند .

تبصره ۲ - ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری از تاریخ تصویب این قانون ملغی است .

برای تجزیه و تحلیل این موضوع جداگانه به محکومیت‌های جنائی و جنحه بترتیب اهمیت اشاره و بشرح ذیل نتیجه میگیریم.

۱ - بر طبق بند ب ماده مذکور در فوق اشخاصیکه بموجب حکم قطعی بحبس جنائی محکوم میشوند و یا کیفر اعدامشان در نتیجه اعمال ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی بحبسهای جنائی تبدیل میگردد از کلیه حقوق اجتماعی تبعاً محروم خواهند شد: اشکالی که وارد بنظر سیرسد اینست که آیا محرومیت اجتماعی محکوم بحبس جنائی دائمی است یا اینکه با استناد ماده ۵۸ قانون مجازات عمومی بعد از خاتمه مجازات و گذشتن ده سال مشمول اعاده حیثیت میشود. اگر گفته شود اعاده حیثیت شامل حال اینگونه محکومین میگردد ممکن است این ایراد بشود که چون تاریخ تصویب ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی مؤخر بر ماده ۵۸ همان قانون بوده و با اطلاق جمله (متهم از کلیه حقوق اجتماعی تبعاً محروم خواهد شد) قرینه مخالف در دست است و بهر حال سرنوشت اینعده محکومین نامعلوم است خاصه آنکه در آراء عمومی دیوانعالی کشور هم متأسفانه موردی ملاحظه نگردید که بتوان بنفع محکومین استفاده نمود.

اگر نظریه فوق را قبول نمائیم اشکال مهمتر اینست که آیا چگونه عدالت اجتماعی حکم بینماید بر اینکه مجازات تبعی کسیکه محکوم به دو سال حبس مجرد گردیده با کسیکه محکوم باعدام شده است و در نتیجه رعایت تخفیف مجازات اعدامش بحبس موقت با اعمال شاقه تبدیل شده یکسان باشد؟ فی‌المثل اگر کسی بر طبق ماده ۲ قانون تشدید مجازات رانندگان به دو سال حبس مجرد محکوم گردد باید عواقب زیر را متحمل شود:

الف - مدت دو سال در حبس بماند.

ب - از ده تا پنجاه هزار ریال غرامت بپردازد.

ج - خسارات مدعی خصوصی را پرداخت نماید.

د - مدت ۵ تا ده سال از حق رانندگی محروم گردد.

و - در صورت تصمیم دادگاه پس از اتمام کیفر در مدتی که از ده سال تجاوز نکند از اقامت در نقطه معینی محروم و یا باقاست در نقطه یا نقاط معینی مجبور باشد.

۵ - از کلیه حقوق اجتماعی مآدام العمر محروم باشد.

در صورتیکه فردیکه بجرم خیانت بمملکت یا آدم کشی و یا سرقت مسلحانه محکوم گردیده و بر اثر اعمال تخفیف از مجازات اعدام نجات یافته است یا محکوم اول که جرمش با وی قابل قیاس نمیشد بلحاظ محرومیت از حقوق اجتماعی با هم تفاوتی ندارند.

۲ - آثار مجازاتهای تبعی جرائم جنائی از نقطه نظر شدت عمل ممکن است گاهی موجب گردد که اینگونه محکومین برای جامعه افراد خطرناکی بار آیند و مصلحت نیست انسانی که همواره در معرض خطا و لغزش است بخاطر یکبار ارتکاب بگناه گرفتار بلیه و مجازاتی گردد که تا پایان عمر وسیله خلاصی از آنرا ندارد.

شاید مصداق فرع زائد بر اصل در همین مورد صادق باشد و نتیجه این سختگیریها برای جامعه و اجتماع بسیار گران تمام شود زیرا کسیکه از تمام حقوق اجتماعی و یابعبارت دیگر از حق حیات محروم میگردد چگونه اجتماع انتظار دارد از خطر وی ایمن باشد؟

۳ - بموجب بند ج ماده ۱۹ قانون موصوف هر کس بحکم قطعی بیکی از جنحه های مندرج در باب دوم قانون مجازات عمومی یا جرائم سرقت، کلاهبرداری خیانت در امانت الخ محکوم گردد پناهیچه مدت محکومیت مرتکب بیش از یکماه حبس تأدیبی باشد و مورد شمول یکی از مجازاتهاییکه توأم بانفصال ابد از خدمات دولتی است نباشد برای مدت ۵ سال و در صورتیکه حکم مجازات تا یکماه حبس تأدیبی صادر شود برای مدت دو سال از حق استخدام دولتی و مملکتی محروم خواهد شد.

در این باره توضیح و تشریح چند نکته لازم است.

اولا - با تصویب ماده ۳۱ / ۴ اصلاحی آئین دادرسی کیفری و تبصره ۱ آن کلیه محکومیتهاییکه مدت آن تا دو ماه حبس تأدیبی است صرفنظر از اینکه غیر قابل عراجام است دارای هیچگونه آثار کیفری نیز نخواهد بود و بدین ترتیب قلمرو بند ج ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی تا حدود دو ماه حبس تأدیبی از لحاظ اجرای مجازاتهای تبعی نسخ و منتفی شده است و اگر استدلال شود ماده ۱۹ مذکور مورد خاص و ماده ۳۱ / ۴ اصلاحی و تبصره ذیل آن قانون عام است با اطلاقیکه تبصره

سزبور دارد چنین استدلالی وارد نیست و در هر حال رعایت احوال متهمین ایجاب
 سبب نماید که محاکم موضوع تبصره ماده ۳۱ و اصلاحی را بنفع آنان تعبیر نمایند.
 برای تأیید این مطلب یادآور میشود که بر طبق قسمت اخیر تبصره ۱
 ماده ۳۱ و اصلاحی آئین دادرسی کیفری (ماده های واحد، مصوب ۴ خردادماه
 ۱۳۱۳ و ۹ شهریورماه ۱۳۲۰ ملغی گردیده) و چون اطلاع از مواد منسوخه برای
 خوانندگان محترم مفید بفایده است در اینجا متن آنها از مجموعه قوانین جزائی
 سال ۱۳۳۰ استخراج و ذیلا درج میشود.

الف - ماده واحد مصوب ۴ خرداد ۱۳۱۳ (جز در امور جنحه های
 مضر بمصالح عمومی که بموجب باب دوم قانون مجازات یا بموجب قوانین جزائی
 دیگر پیش بینی شده است در سایر جنحه ها محکومیت های بجزای نقدی و همچنین
 محکومیت های بدو ماه یا کمتر از دو ماه حبس تأدیبی اعم از اینکه متضمن محکومیت
 بجزای نقدی نیز باشد یا نه غیر قابل تمیز خواهد بود. بمحکومیت های مذکور
 فوق جز آنچه که بموجب ماده ۱۹ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ اسفند
 ۱۳۱۲ مقرر است هیچ قسم اثر جزائی از قبیل محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی
 و تکرار جرم و غیره مترتب نمیگردد.

ب - قانون راجع بغير قابل فرجام بودن پاره ای از محکومیت های جزائی
 مصوب ۹ شهریور ۱۳۲۰ ماده یگانه - جز در امور جنحه های مضر بمصالح عمومی
 که بموجب باب دوم قانون کیفر پیش بینی شده است در جنحه های دیگر محکومیت
 های به کیفر نقدی و همچنین محکومیت های بدو ماه حبس یا کمتر خواه متضمن
 بکیفر نقدی نیز باشد یا نه فرجام پذیر نخواهد بود محکومیت های مذکور جز آنچه
 بموجب ماده ۱۹ اصلاحی قانون کیفر عمومی مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۱۲ مقرر است
 هیچ قسم اثر کیفری نخواهد داشت.

احکامی که در امور خلافی صادر میشود قابل پژوهش و فرجام نیست.
 بطوریکه سلا حظه میفرمایند در دو ماده منسوخه جرائمیکه دارای آثار
 تبعی بوده است نظر بر رعایت حال متهمین سابقاً قطعی شناخته نمیشده و فرجام
 پذیر بوده و اینک مقننین با وضع تبصره اول ماده ۳۱ و اصلاحی و توجه بصدور
 همان ماده بلا استثناء کلیه محکومیت های بجنحه را که مدت حبس تأدیبی آن

متجاوز از دو ماه نمیباشد غیر قابل فرجام دانسته و بعلاوه هیچگونه سابقه و آثار کیفری که از آنجمله محرومیت از حقوق اجتماعی است بر آن وارد ندانسته است.

ثانیاً - بر طبق بند د ماده مذکور مقرر است مستخدمین ادارات دولتی و سازمانهایی که با بودجه دولت (مانند شهرداریها) اداره میشود چنانچه با اتهامات مندرج در بند ج ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی تحت تعقیب قرار گیرند و کیفر خواست بر علیه آنان صادر شود تا ختم دادرسی از شغل خود معذورند و تبصره ذیل همان بند د ادسراها را مکلف نموده که «در موارد فوق بمحض ارسال کیفرخواست بدادگاه بدون فوت وقت مراتب را بوزارتخانه یا قسمت مربوطه بمتهم اطلاع دهند.

ایرادیکه بر بند د ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی وارد است بشرح زیر

توضیح داده میشود :

الف - بطوریکه فوقاً ذکر شد بعد از تصویب ماده ۳۱ اصلاحی آئین دادرسی کیفری و تبصره اول آن جرائمیکه حد اکثر مجازاتش بیش از دو ماه حبس تأدیبی نباشد بر فرض صدور کیفر و محکومیت قطعی متهم موضوع مشمول کیفرهای تبعی نخواهد بود با این وصف اگر متهمی که مستخدم دولت است مثلاً باستاناد ماده ۱۲۸ قانون مجازات عمومی که عیناً نقل میشود «هرکس درختها را که در میدان گاهها و باغهای عمومی و شوارع و نحو اینها غرس شده من غیر حق قطع یا تلف کند بحبس از یازده روز الی یکماه محکوم خواهد شد و باید خساراتی را که وارد آورده است جبران کند.»

تحت تعقیب درآید از یکطرف با صدور کیفرخواست از خدمات دولتی معذور میگردد و از طرفی چنانچه بعد اکثر مجازات (یکماه حبس تأدیبی) محکوم شود با وجودیکه مورد مشمول کیفر تبعی نبوده است من غیر مستقیم مجازات تبعی را متحمل گردیده است چه بموجب قسمت اخیر بند مذکور شده که اگر متهم از اتهام انتسابی برائت حاصل نماید (ایام تعلیق جزه خدمت او محسوب و مقرری مدتی را که بعلت تعلیق نگرفته دریافت خواهد کرد.)

دراینجا سلاخه میشود نتیجه غائی و نهائی جرم دارای آثار مجازات تبعی نیست لکن مستخدمی که بچنین اتهامی از خدمت دولت معذور شده و احتمالاً

دو یا سه سال بدون حقوق گذرانیده و خانواده و اهل عیالش با عسرت و بدبختی بسر برده‌اند خود بخود از مزایای اجتماعی محروم گردیده است و راهی هم برای پرداخت حقوق مدت تعلیق وی در دست نیست.

در این جریان یک راه حل بنظر می‌رسد که یا دادرها از وظایف محوله بخود سرپیچی نمایند و یا وزارتخانه‌ها و ادارات مربوطه مدلول دستور داد گستری را دأثر بتعلیق مستخدم نادیده بگیرند که این امر هم غیر عملی است زیرا دادستانها و دادیاران از ترس تعقیب انتظامی بچنین تخلفی سبادت نخواهند ورزید و مسئولین وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل نیز در صورت تخلف از اجرای دستور مراجع داد گستری بر طبق ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی مورد تعقیب واقع و بانفصال از خدمت دولت محکوم خواهند شد بنابراین در اینگونه موارد عواقب ناراحت‌کننده منحصر آدام‌نگیر مستخدمین دولت است.

ب - در سایر آنها ماتی که حداکثر مجازات آنها زائد بر دو ماه حبس تأدیبی بوده و موضوع منطبق با ماده ۱۹ اصلاحی قانون مجازات عمومی است اگر مستخدمی با صدور کیفرخواست و تعلیق از خدمت بحکم قطعی محکمه بمجازاتاتی که کمتر از دو ماه حبس باشد محکوم گردد و یا کیفر متهم با رعایت تخفیف بر طبق ماده ۵۴ قانون مجازات بقرامت تبدیل شود بشرحیکه قبلاً بیان گردید حقوق مدت تعلیق چنین مستخدمی قابل پرداخت نمیشود.

با تشریح و توضیح مراتب فوق امیدوار است اولیاء محترم وزارت داد گستری بمشکلات ذکر شده توجه نموده و برای اصلاح ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی بطریقی که هم حافظ حقوق مردم و مستخدمین دولت باشد و هم بمصالح اجتماعی لطمه‌ای وارد نیابد اقدام فوری و مؤثر مبذول دارند.